

تحلیل محتوای کتاب‌های «هدیه‌های آسمان» و «فارسی» مقطع ابتدایی از نظر توجه به مهدویت

دکتر محمد امینی*
زهرا ماشاءاللهی نژاد**
مرضیه علیزاده زارعی***

چکیده

هدف این پژوهش عبارت بود از بررسی محتوای کتاب‌های «هدیه‌های آسمان» و «فارسی (بخوانیم)» در مقطع ابتدایی از نظر توجه به مهدویت و مؤلفه‌های آن در دو بخش «دروس» و «تصاویر». مؤلفه‌های مهدویت، شامل «آگاهی از فلسفه ظهور»، «آگاهی از فلسفه غیبت»، «علم و شناخت امام»، «انتظار ظهور» و «ایمان و باور قلبی» می‌باشند. بدین منظور از روش «تحلیل محتوا»ی متون، استفاده شد. جامعه آماری مورد نظر شامل پنج کتاب فارسی سال اول تا پنجم و چهار کتاب هدیه‌های آسمان از سال دوم تا پنجم دوره ابتدایی در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ بود. یافته‌ها نشان داد که توجه به نمادها و مؤلفه‌های مهدویت و آموزش آن در کتاب‌های یاد شده، بسیار کم می‌باشد و لازم است در کتاب‌ها و در نظام آموزش و پرورش کشور تغییرات و اصلاحات لازم صورت پذیرد.

واژه‌های کلیدی: مهدویت، تربیت مهدوی، فلسفه ظهور، ایمان و باور قلبی

Email: amini2740@yahoo.com
Email: mashallahi2009@yahoo.com
Email: mralizadeh2009@yahoo.com

* عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه کاشان
** کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی
*** کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی
تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۲/۸ تاریخ تأیید: ۱۳۹۱/۶/۱۲

مقدمه

یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اهداف و اولویت‌های نظام‌های آموزشی در کشورهای مختلف جهان، به‌ویژه آن دسته از کشورهایی که با رویکرد و نگاهی دینی، دغدغه اتصاف و آراستگی دانش‌آموزان را به صفات و فضایل اخلاقی و ارزشی دارند، تلاش در جهت فراهم کردن زمینه‌های لازم به منظور تربیت دینی^۱ شایسته و کارآمد یادگیرندگان خود می‌باشد؛ در واقع، این تصور و برداشت اساسی وجود دارد که از طریق اجرای برنامه‌های آموزشی و درسی^۲ مرتبط با تربیت دینی، اهداف و سیاست‌های نظام آموزشی در حوزه‌های اخلاقی، ارزشی، معنوی و مذهبی امکان‌پذیر و عملی گردد. بر این اساس می‌توان گفت «در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران به سبب ویژگی اسلامی آن، دستیابی به اهداف تربیت دینی از جایگاهی ویژه برخوردار است» (سجادی، ۱۳۸۴، ص ۲۷). در واقع، باید بر این نکته صحه گذاشت که «در دوران فعلی و در کشور ما، نظام تعلیم و تربیت نقش مهمی را در ترویج ایدئولوژی بر عهده گرفته است و در امر ترویج دین (چه به صورت برنامه آشکار یا صریح^۳ و چه به صورت برنامه ضمنی^۴) نقش مهم و کارآمدی را بازی می‌کند» (خالق خواه و مسعودی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۲). در عین حال پدیده جهانی شدن^۵ و آثار و تبعات مختلف آن و نیز ورود و شیوع انواع ناهنجاری‌ها و بحران‌های اخلاقی، رفتاری، اجتماعی و فرهنگی در جوامع بشری امروز، که به عنوان نتایج و دستاوردهای منفی و ناخوشایند پیشرفت‌های مادی و صنعتی انسان قرن بیست و یکم تلقی می‌گردد، ضرورت توجه سازمان‌یافته و نهادینه نسبت به ترویج دین و دینداری اصیل و آنچه که اصطلاحاً تربیت دینی خوانده می‌شود را دوچندان نموده است.

با توجه به مطالب مذکور می‌توان گفت که تربیت دینی به عنوان یکی از مهم‌ترین قلمروهای تربیتی، نقش اصلی را در روند تحقق شکوفایی و کمال دانش‌آموزان ایفا می‌نماید و اصولاً غایت تربیت و یا تربیت مطلوب محسوب می‌شود تا از این طریق متربی خود را ربوبی سازد (نوروزی و بدیعیان، ۱۳۸۸). به بیان دیگر، تربیت دینی در معنای وسیع و گسترده خود صرفاً «محدود به مسائل اعتقادی، معنوی و یا اخلاقی نمی‌شود، بلکه رفتار و اندیشه آدمی را در سایر ابعاد فرهنگی، سیاسی، اعتقادی، اجتماعی، عاطفی و هیجانی دربر می‌گیرد و در یک کلمه شخصیت انسان را پوشش می‌دهد» (زارغان، ۱۳۷۹، ص ۱۱). از این

1. religious education

2. educational program & curriculum

3. explicit curriculum

4. hidden/implicit curriculum

5. globalization

دیدگاه «اگر هدف از تربیت دینی به معنای عام کلمه، پرورش انسان‌های دین‌مدار و دیندار باشد، هدف از تربیت دینی اسلامی پرورش انسان‌هایی است که ضمن اعتقاد و باور قلبی به اصول اعتقادی اسلام، مطابق با موازین و دستورات آن، چه در عرصه فردی و چه در عرصه اجتماعی عمل نمایند» (شمشیری، ۱۳۸۷، ص ۵۴). با توجه به چنین دیدگاهی است که در حوزه تربیت اسلامی، پرورش مهدوی دانش‌آموزان به عنوان یکی از جهت‌گیری‌ها و اولویت‌های مهم نظام آموزش و پرورش مطرح می‌گردد.

تأملی بر مبانی نظری و پژوهشی مرتبط با مهدویت

با توجه به نقش، جایگاه و جهت‌گیری‌های اساسی که در تربیت دینی مورد تأکید می‌باشند، بدیهی است که حوزه‌های زیرمجموعه آن نیز باید به گونه‌ای منسجم و سازمان‌یافته در راستای اهداف مطلوب تربیت دینی مورد توجه قرار بگیرند. یکی از این حوزه‌ها، قلمرو مهدویت و تربیت مهدوی می‌باشد. در واقع، باید بر این نکته تأکید کرد که یکی از مهم‌ترین اعتقادات دینی در میان مسلمانان شیعه، باور به اندیشه مهدویت و ظهور منجی عالم است که به عنوان یک مفهوم یا آرمان محوری دلالت‌ها و نتایج خاص خود را از نظر فردی و اجتماعی به همراه دارد. در واقع، این باور بنیادی وجود دارد که «پیش از برپایی قیامت یکی از فرزندان رسول خاتم (ص) قیام می‌کند و بر تمام زمین، فرمانروا می‌گردد و زمین را که از ظلم و جور پر گشته، آکنده از عدل و داد خواهد کرد. از اعتقاد به این موعود آینده‌ساز در فرهنگ اسلامی با نام مهدویت یاد می‌شود» (فرهمند، ۱۳۸۵، ص ۱۳۷).

پیرامون این اندیشه محوری مجموعه‌ای از محکومات و استنادات مختلف وجود دارد. «عقیده به وجود مهدی موعود و امام زنده غایب یک عقیده اسلامی است و از ارکان مذهب امامیه به شمار می‌رود و عقیده‌ای است قطعی که به وسیله اخبار متواتر و قطعی‌الصدر به اثبات رسیده و قابل تشکیک نخواهد بود» (امینی، ۱۳۸۰، ص ۱۱). همچنین، ریشه‌ها و آیات قرآنی مرتبط با این اندیشه و نیز باور متقن به تشکیل یک حکومت جهانی واحد که در پرتو آن پیروزی نهایی حق و حاکمیت آموزه‌ها و ارزش‌های متعالی انسانی و اخلاقی حاصل می‌شود کاملاً مستند و مورد تأیید است (ر.ک: نور، ۵؛ انبیاء، ۱۰۵؛ قصص، ۵؛ آل عمران، ۸۳). مجلسی (۱۴۰۳، ص ۳۴۷) تصریح می‌کند که «احادیث و روایات درباره قیام حضرت مهدی (عج) اراده الهی را بر ظهور و تحقق حکومت جهانی وی قرار داده است». علاوه بر این، «اعتقاد به وجود و ظهور مهدی (عج) ریشه در احادیث و روایات ماثور از نبی اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) دارد. بحث از این اعتقاد تنها مورد توجه محدثان نبوده بلکه بیشتر

متکلمان، عرفا و فیلسوفان هم در آثار خود این بحث را وارد کرده و به مقتضای نظام فکری خود به تحلیل و تبیین ابعاد آن پرداخته‌اند» (پوربهرامی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۵). از این منظر، «تشکیل جامعه‌ای که معیارهای معنوی و انسانی بر آن حاکم باشد، رسیدن به جهانی دور از ستم، ستمگر و ستم‌دیده و دور از استبداد بر مردمان و سرنوشت آنان از دیرباز مورد توجه بشر بوده است» (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۳۹).

از دیدگاه هانری کرین (۱۳۸۲، ص ۱۲) «آموزه مهدویت در عالم تشیع ریشه در اعتقاد به ولایت و امامت دارد و دور ولایت دوری است که پس از دور نبوی در عالم تشیع آغاز گردیده است و همچنان تا پایان تاریخ ادامه می‌یابد». در عین حال، اعتقاد و باور به اندیشه مهدویت عنصر اصلی فکر شیعه است که این مذهب را از مذاهب دیگر متمایز ساخته و باعث پویایی آن شده است (کرین، ۱۳۷۷). همچنین، بهشتی (۱۳۵۱) با اشاره به آنچه که وی آنها را وعده‌ها و بشارت‌های کتاب‌های زرتشتی و هندی و نیز ادیان یهود و مسیحیت در مورد انقراض اشرار و وراثت صلحاء نامیده است، تصریح می‌کند که اصولاً فکر مهدوی و آرزوی فرج، اندیشه‌ای است که تقریباً همه ملل را به خود مشغول ساخته و فقط مسلمانان دارای این عقیده و دیدگاه نمی‌باشند. در واقع، باید بر این نکته تأکید کرد که «شاید در بین ادیان نتوان دینی را یافت که به نوعی اندیشه آینده در آن یافت نشود. از اعتقاد به ظهور مسیحا در یهودیت، مفهوم فار قلیط به معنای نجات‌دهنده و اندیشه عروج مسیح به آسمان در مسیحیت، دوران‌های تاریخ و سوشیانت در زرتشت گرفته تا اعتقاد به اوتارها در بودیسم و مظاهر برهمن، به نوعی همه موضوعاتی درباره فرجام‌اندیشی در ادیان ابراهیمی و غیر ابراهیمی بوده‌اند» (فلاح رفیع، ۱۳۸۶، ص ۲۰۵).

حنیفر و همکارانش با اشاره به پدیده جهانی شدن و دلالت‌ها و نتایج مختلف آن برای جوامع بشری معتقدند که جهان امروز شاهد تحولات و دگرگونی‌های گسترده و شگفت‌آوری در عرصه اقتصاد، ارتباطات، سیاست، فرهنگ و امور بین‌الملل در راستای جهانی شدن است که همین امر به روشنی نیاز انسان امروز را به نزدیکی، اتحاد و تشکیل جامعه جهانی واحد آشکار می‌نماید. در واقع، از دیدگاه صاحب‌نظران مذکور تبیین و ترویج اندیشه و فرهنگ مهدویت به مثابه پاسخی مناسب و رویکردی روزآمد به منظور پاسخگویی به پدیده جهانی شده است. «گسترش سریع ارتباطات و نزدیکی جوامع به یکدیگر و امکان گفتگو و تبادل آرا و افکار، استفاده مردم جهان از آخرین اخبار، تعامل و همفکری، بالا رفتن سطح سواد و معلومات برخی از وجوه مثبت و قابل قبول جهانی شدن است که مدل کامل و مطلوب آن در حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) وجود دارد. مهدویت اشاره‌شده در

بینش اسلامی (آیات و روایات) به عنوان مدینه فاضله بشر و ظهور منجی موعود، لطف و تدبیری الهی برای سرانجام تاریخ است تا آرزوهای بشر در طول قرن‌ها تحقق یابد» (خنیفر و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۱۲). از دیدگاه پهلوان (۱۳۸۵) یکی از مهم‌ترین الزامات در زمینه مهدویت، برنامه‌ریزی صحیح و شناخت فرصت‌ها، تهدیدها، امکانات و چالش‌هایی است که ملازم با اعتقاد به این اندیشه می‌باشد تا در پرتو آن بسترهای لازم برای تربیت فرد و نسل مهدوی فراهم آید؛ به بیان دیگر، اگرچه جایگاه و اهمیت مهدویت بر همگان روشن می‌باشد، ولی ضرورت دارد که ابعاد و جوانب مختلف این مسئله دقیقاً مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته و پیوند و ارتباط آن با جنبه‌های مختلف زندگی انسان و شؤون مختلف اعتقادات و باورهای اسلامی و دینی تصریح گردد.

بیاری (۱۳۸۷) با تأکید بر این نکته که اصولاً اعتقاد به مهدویت از اصیل‌ترین باورهای شیعیان بوده که باید در رفتار و سلوک عملی آنها تجلی یابد، با رویکردی تحلیلی و نقادانه مجموعه‌ای از تهدیدها و آسیب‌های مهدویت‌گرایی را توضیح و تبیین می‌نماید. از دیدگاه این صاحب‌نظر، مواردی همچون نمادگرایی افراطی، ابزارانگاری مهدویت، قشری‌گری، ارتباط مقطعی و گسسته، روابط و پیوندهای ناسالم مهدی‌باوران، تقدس‌زدایی، عدم تناسب سطح دانش و آگاهی مهدی‌باوران با الزامات عصر حاضر، از جمله مهم‌ترین محدودیت‌ها و خطراتی است که اندیشه و فرهنگ مهدویت را تهدید کرده و ضرورت دارد در راستای ایجاد بسترهای فهم عمیق و خالصانه آن با این آسیب‌ها مقابله‌ای علمی و جدی نمود.

برخی از محققان و صاحب‌نظران (باقری، ۱۳۸۰؛ صمیمی، ۱۳۹۰) مهدویت را صرفاً یک مقوله اعتقادی نمی‌دانند، بلکه آن را مفهومی آموزشی و تربیتی می‌انگارند که آثار و نتایج ویژه خود را در قالب ابعاد فکری (رهایی از جهل و نادانی) روحی و عاطفی (تسکین و آرامش روانی، امید به آینده، تحرک و پویایی، صبر و مقاومت در برابر مشکلات، آرمان‌خواهی و آرمان‌طلبی) اخلاقی (پارسایی، نظارت امام بر اعمال انسان و آمادگی مداوم فرد) و عملی (دینداری، روحیه ظلم‌ستیزی، امر به معروف و نهی از منکر) نشان می‌دهد (صمیمی، ۱۳۹۰). همچنین، عیسی‌نیا (۱۳۸۷) با بیان نقش و اهمیت مهدویت در فراهم کردن زمینه‌های تحقق حکومت جهانی واحد توسط امام عصر (عج) به تبیین و تشریح دکترین‌های مرتبط با فلسفه مهدویت (دکترین قیام طبیعی، دکترین عدل مبتنی بر علم امام و دکترین قابلیت اجتماعی) می‌پردازد. از دیدگاه این صاحب‌نظر، اگرچه در عصر انتظار باید تلاش کرد از جایگاه و اهمیت دکترین قیام طبیعی کاسته نشود و جامعه را با سرنوشت و ماهیت آن آشنا کرد، ولی در عین حال با توجه به شرایط کنونی جامعه جهانی و تحولات

سریع آن، دکترین قابلیت اجتماعی دیدگاهی است که در حوزه‌های دانشگاهی و روشنفکری از ظرفیت بالایی برای اقناع‌گری و دفاع منطقی برخوردار بوده و بنابراین باید در محافل و مراکز آموزشی و علمی کشور نسبت به بسط و تبیین نظری ابعاد مختلف آن اقدام کرد.

فلاح رفیع (۱۳۸۶) با ذکر این نکته که بحث از آینده بشریت در زمره مباحث مشترک دین و فلسفه بوده و همه دینداران و فلاسفه در زمینه آن به تأمل و ژرفاندیشی و نظریه‌پردازی پرداخته‌اند، مشخصاً به دیدگاه هگل در این‌باره پرداخته که از نظر او سیر مرحله‌ای و غایت‌محورانه روح برای رسیدن به آزادی و خودشکوفایی به مثابه مشیت خداوندی است که به دست مردان تاریخی انجام گرفته و در نتیجه آن، روح پنهان جهانی محقق خواهد شد. از این منظر، دین اسلام با طرح مسئله مهدویت و ارائه مفهوم بامسمای فرج یا گشایش به گونه‌ای خاص و نوآورانه به این مقوله پرداخته است؛ زیرا آماده‌سازی فردی و اجتماعی در زمینه‌های فکری، معنوی و حتی جسمی از مشخصه‌ها و ویژگی‌های این اعتقاد در اسلام می‌باشد. در عین حال، کارکردهای جامعه‌شناختی و روان‌شناختی این باور مثل امیدآفرینی و آرامش‌بخشی آن در بین متدینان و ایجاد جنبش‌ها و حرکت‌های تاریخی و احیاگر در عالم تشیع، واقعیتی غیر قابل انکار است که اندیشه مهدویت را از آرمانی صرفاً ذهنی و فکری خارج کرده و آن را به نیروی محرک در تاریخ مبدل ساخته است. از سوی دیگر، برخی متخصصان و صاحب‌نظران با اشاره به این نکته که وجود و ظهور امام مهدی (عج) فراتر از یک مقوله اعتقادی صرف، یک فرایند و جریان تربیتی و آموزشی با نتایج و دستاوردهای خاص خود می‌باشد، به بررسی و تحلیل موانع و آسیب‌هایی می‌پردازند که از نظر آنها در قلمرو تربیت مهدوی دانش‌آموزان وجود داشته و باید با یک رویکرد علمی و آسیب‌شناسانه نسبت به شناسایی و حل آنها اقدام کرد.

در همین راستا، باقری (۱۳۸۰) معتقد است فرایند تربیت مهدوی (مهدویت) ممکن است توأم با آسیب‌ها و لغزش‌های فکری و عملی باشد که مانع تحقق اهداف مهم گردد. این صاحب‌نظر، مجموعه آسیب‌های تربیت مهدوی را در قالب هفت محور (که دو سوی آن لغزش و حد میانه آن شاخص سلامت تربیت مهدوی است) مطرح و مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. این آسیب‌ها شامل ۱. حصاربندی و حصارشکنی (شاخص: مرزشناسی)؛ ۲. کمال‌گرایی غیر واقعی و سهل‌انگاری (شاخص: سهل‌گیری)؛ ۳. گسست و دنباله‌روی (شاخص: هدایت)؛ ۴. مریدپروری و تکروی (شاخص: امامت)؛ ۵. قشری‌گری و عقل‌گرایی (شاخص: عقل‌ورزی)؛ ۶. خرافه‌پردازی و رازدایی (شاخص: حق‌باوری)؛ ۷. انحصارگرایی و کثرت‌گرایی (شاخص: حقیقت‌گرایی مرتبته) می‌باشند.

مسعودی (۱۳۷۴) با طرح اندیشه مدینه فاضله تلاش می‌کند تا نسبت و پیوند مهدویت را با آن مشخص و تصریح نماید. از دیدگاه وی با استناد به مراجع و منابع دینی، مدینه فاضله اسلامی در عصر ظهور، با برخورداری از ویژگی‌هایی همچون عدل، رفاه، امنیت، تربیت، علم به مثابه یک آرمان شهر اسلامی است که در آن، بر وحدت و یگانگی دین و آخرت تأکید می‌شود. به علاوه، در چنین شهری انسان به عنوان یک واحد حقیقی از برنامه منسجم جهت تکامل خود برخوردار است. همچنین مرزوقی (۱۳۸۸) با معرفی رویکرد «منجی‌گرا» به عنوان باور یا فلسفه انتظار فرج، تأکید می‌کند که از منظر باورهای اسلامی به‌ویژه شیعی، رویکرد مذکور باید جهت‌گیری غالب و کلان برنامه‌های آموزشی تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش باشد؛ زیرا از دیدگاه این صاحب‌نظر، این رویکرد از جمله ارزشمندترین و اساسی‌ترین سرمایه‌های معنوی و اجتماعی بوده که ضمن حفظ و صیانت از آن، باید اقدام به گسترش و فرهنگ‌سازی لازم برای انتقال مطلوب آن به نسل جدید به‌ویژه دانش‌آموزان کرد. از این رو، تلاش برای درونی کردن و نهادینه ساختن فرهنگ مهدویت در قالب برنامه‌های آموزشی و درسی باید به عنوان یک اولویت جدی مورد توجه قرار بگیرد.

حسین‌زاده و همکاران (۱۳۸۸) نیز بر این نکته تأکید می‌کنند که تمنای ظهور امام (عج) از صمیم قلب و تلاش برای رسیدن به آن دو زمینه شناختی و قلبی چنین می‌طلبد که منتظران حقیقی و حامیان مهدویت پیوسته تصویر ظهور را در برابر دیدگان خود داشته و از دل و جان آن را جسته و برای تحقق آن تلاش می‌کنند و این مهم را در رفتار خود با کسب آگاهی و شناخت بیشتر از امام زمان نشان می‌دهند. از نظر این پژوهشگران، دستیابی به مؤلفه‌های روان‌شناختی و رفتاری همچون قوت روحی و روانی، امید به آینده، همبستگی و نظم اجتماعی حاصل اعتقاد واقعی به مقوله مهدویت است. از دیدگاه خسروپناه (۱۳۸۲) مقوله مهدویت اصولاً در چارچوب مبحث کلی‌تر امامت قابل بررسی می‌باشد. به عبارت دیگر، اندیشه مهدویت نوعاً نماد و تجلی کامل مسئله امامت بوده و تبیین ابعاد آن بدون لحاظ بنیادهای فکری امامت نه قابل درک و نه قابل طرح می‌باشد.

صمدی (۱۳۸۵) با اذعان به اینکه اعتقاد به ظهور منجی و مصلح جهانی ایده‌ای فراگیر، همگانی و منطبق با گرایش‌های فطری انسان می‌باشد، تصریح می‌کند که تربیت مهدوی به عنوان سازوکار اصلی تحقق جامعه مهدوی، ناظر بر مجموعه تدابیر و اقدامات سنجدیده و منظم فرهنگی برای پرورش و تقویت ایمان و باورهای مهدوی در دانش‌آموزان است. در راستای تحقق این هدف مهم، صاحب‌نظر مذکور کارکرد و رسالت اصلی نظام آموزش و

پرورش را در زمینه تربیت مهدوی در دو حیطة تبیین و ترویج مطرح و مورد بررسی قرار می‌دهد. منظور از تبیین، ایجاد آگاهی و بصیرت در دانش‌آموزان نسبت به امام مهدی (عج) و رسالت وی در برپایی حکومت عدل جهانی در ابعاد مختلف است که لازمه توفیق در آن بازنگری در دو بخش اساسی برنامه‌های آموزشی و درسی مدارس یعنی محتوا^۱ و روش‌های تدریس^۲ معلمان می‌باشد. استفاده از زبان روز دنیا، توجه به سطح توانایی‌ها و ظرفیت‌های یادگیری امروز در چنین قالب و چارچوبی مطرح می‌شوند. اما منظور از ترویج، آن است که نظام آموزش و پرورش باید نسبت به ایجاد ادبیات جدید در تبیین و انتشار معارف دینی به‌ویژه در زمینه مهدویت اقدام نماید. در این راستا، ضرورت دارد که گفتمان و ادبیات تبلیغی نهادهای فرهنگی و آموزشی از جمله مدارس و دانشگاه‌ها در تشریح ادبیات و اهداف ظهور با نگاهی جهان‌شمول جهت‌گیری و سازمان یابد که این امر مستلزم فعالیت مستمر و کارکرد فرهنگی در سطوح مختلف جامعه به‌ویژه در مراکز علمی و دانشگاهی می‌باشد.

به هر حال، مجموعه مطالب و مستندات فوق نشان‌دهنده جایگاه و اهمیت مهدویت در ابعاد فردی و اجتماعی است. بدیهی است متناسب با این جایگاه نظام آموزش و پرورش کشور باید تلاش و فعالیت‌های منظم و سازمان‌یافته خود را در راستای آموزش، انتقال و درونی ساختن اندیشه مهدویت و آموزه‌های مربوط به آن در دانش‌آموزان طراحی و اجرا نماید. در نظام‌های آموزشی دنیا از کتاب درسی^۳ به عنوان رایج‌ترین و متداول‌ترین ابزار جهت تحقق اهداف مختلف استفاده می‌گردد. به‌ویژه در نظام‌های آموزشی متمرکز، از جمله ایران «کتاب درسی اولین و عمومی‌ترین و پرمصرف‌ترین ابزار کار معلم و اغلب تنها عامل منتقل‌کننده هدف‌ها و برنامه‌ها به محیط کار است. از این‌رو، آنچه که به عنوان متن درسی به مدرسه وارد می‌شود باید تصویری صادق و کامل از آرمان‌ها و مقاصد تربیتی باشد» (معیری، ۱۳۶۴، ص ۱۴۴). بر این اساس، در نظام آموزش و پرورش کشور ما کتاب درسی می‌تواند به عنوان رسانه یا ابزار اصلی آموزش و انتقال مهدویت به یادگیرندگان مورد توجه قرار بگیرد. این پژوهش تلاش کرده است تا از طریق تحلیل محتوای کتاب‌های درسی «هدیه‌های آسمان» و «فارسی (بخوانیم)» دوره ابتدایی (به علت کارکرد و جایگاه خاص کتاب‌های مذکور در آموزش و تفهیم مفاهیم دینی و مذهبی) در دو بخش دروس و تصاویر، میزان توجه این کتاب‌ها را به اندیشه مهدویت و عناصر و مؤلفه‌های آن بررسی و مستندسازی نماید. در این راستا، پژوهش حاضر به استناد کتاب‌ها و منابع تخصصی مختلف، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مهدویت

1. content

2. teaching methods

3. textbook

را در قالب پنج طبقه یعنی آگاهی از فلسفه ظهور، آگاهی و شناخت فلسفه غیبت، علم و شناخت امام عصر، انتظار ظهور و ایمان و باور قلبی به آن مشخص ساخته و مورد بررسی و تحقیق قرار داده است. قابل ذکر است که مؤلفه «آگاهی از فلسفه ظهور» به معنای شناخت و آگاهی از چرایی و فلسفه ظهور منجی عالم یعنی حضرت مهدی (عج) می‌باشد. به عنوان مثال، دانش‌آموزان متوجه این واقعیت شوند که اصولاً فلسفه مهدویت و ظهور شامل موارد و دلایلی مثل بسط و گسترش عدالت در جامعه، تشکیل حکومت واحد جهانی، اجرای دین خدا، حاکم کردن حق در همه مناسبات اجتماعی و از بین بردن امور باطل می‌باشد. مؤلفه «آگاهی و شناخت فلسفه غیبت» ناظر بر کسب آگاهی و شناخت علت و چرایی غیبت حضرت مهدی (عج) است. مثلاً دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که فلسفه غیبت امام زمان، آزمایش مردم، ایجاد امید به آینده، حفظ ایمان و استقامت در دینداران، خالی نماندن زمین از حجت، عدم بیعت با حاکمان ظالم و ستمگر و تشخیص و بازشناسی اهل هدایت از گمراهان است. مؤلفه «علم و شناخت امام عصر» بدان معناست که دانش‌آموزان آگاهی و اطلاعات عمومی لازم را در مورد حضرت مهدی (عج) کسب نمایند. به عنوان مثال، مواردی همچون سال تولد، مکان تولد، القاب حضرت مهدی (عج)، نام مادر، مدت زمان غیبت صغرا، مقام معنوی و... در این قسمت مورد توجه و تأکید قرار می‌گیرند. مؤلفه «انتظار ظهور» به عنوان یکی از آموزه‌های دینی مهدویت با رفتارهایی همچون خواندن دعای فرج، دوری از ارتکاب رفتارهای زشت و ناهنجار، تلاش در مسیر خود اصلاحی، پاک بودن و انجام اعمال مفید و مثبت، آرزوی همراهی با امام زمان و... مشخص می‌شود و نهایتاً مؤلفه «ایمان و باور قلبی» به مهدویت به معنای اعتقاد و باور قلبی به مهدویت بوده و با مصادیقی همچون احساس حاضر و ناظر بودن امام زمان بر همه کارها، آرامش یافتن و امید به آینده به واسطه یاد امام، اعتقاد به پاکی و وارستگی منتظران، ناامید نشدن به خاطر طول زمان غیبت و... مشخص می‌شود.

از سوی دیگر، در راستای متناسب‌سازی مفاهیم و مؤلفه‌های مهدویت با یافته‌های روان‌شناسی تحولی یا رشد^۱ باید بر این نکته تأکید کرد که اصولاً در فرآیند آموزش و انتقال آموزه‌های پنج‌گانه مهدویت به دانش‌آموزان مقطع ابتدایی، توجه به مقتضیات و ملاحظات رشدی^۲ (مرتبط با ابعاد مختلف رشد) فراگیران به منزله یک اصل اساسی و غیر قابل انکار است. توضیح بیشتر آنکه در حوزه برنامه‌ریزی درسی^۳ و در ذیل مبحث مبانی روان‌شناسی شناختی^۴

1. developmental psychology

2. developmental considerations

3. curriculum planning

4. psychology foundations

برنامه درسی و نیز نظم روان‌شناختی^۱ محتوا و تجارب یادگیری^۲ همواره بر توجه به سطح قابلیت‌های ذهنی و عقلانی دانش‌آموزان و هماهنگ کردن اهداف و محتوای یادگیری با آن تأکید می‌شود. به بیان دیگر، محتوای کتاب‌های درسی باید در حیطه توانایی و حد امکان دانش‌آموزان باشد. یعنی تجارب و فعالیت‌های یادگیری باید با رشد معلومات، استعداد و توانایی کنونی دانش‌آموز متناسب باشد (تایلر، ۱۳۸۴، ص ۸۱). به‌ویژه در حوزه روان‌شناختی رشد شناختی^۳ و آنچه که رشد‌گرایانی همچون پیاژه^۴ در زمینه مراحل تحول و رشد ذهنی مستند کرده‌اند، به عنوان مبنایی علمی و تجربی باید جهت تدوین و تنظیم محتوای کتاب‌های درسی مورد توجه طراحان و مؤلفان قرار بگیرد. از آنجایی که در نظام پیاژه، ساختارهای شناختی کودک و نوجوان از سطح پدیدآیی آنها بررسی شده‌اند، مراحل تحول مرجع‌هایی برای تعیین محتوای آموزشی به حساب می‌آیند (کدیور، ۱۳۸۷، ص ۳۲). بر این اساس، بدیهی است که در تدوین و تألیف محتوای کتاب‌های درسی فارسی و هدیه‌های آسمانی مقطع ابتدایی، گنجاندن و لحاظ کردن مفاهیم مرتبط با مؤلفه‌های پنج‌گانه مهدویت باید با عنایت جدی و علمی به سطوح رشد شناختی و عقلانی فراگیران دوره ابتدایی و ویژگی‌های آنها انجام بگیرد. در چارچوب نظریه رشد شناختی پیاژه، دانش‌آموزان مقطع ابتدایی در دوره عملیات عینی^۵ به سر می‌برند و از نظر ذهنی و عقلانی دارای ویژگی‌هایی همچون توانایی در نگهداری ذهنی، تمرکززدایی و برگشت‌پذیری، توانایی دخل و تصرف ذهنی در تجارب عینی و انجام عملیات ذهنی (بیلر، ۱۳۶۹، ص ۱۲۳) می‌باشند. بنابراین طرح و ارائه مفاهیم مهدویت برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی در قالب مصادیق عینی، مثال‌های روشن و با استفاده از عکس و تصاویر رنگی جذاب ارائه و توضیحات گویا با زبانی ساده و روان می‌تواند نقشی بسیار سازنده در جلب توجه و برانگیختن احساسات و عواطف مثبت دانش‌آموزان ابتدایی مقوله به مهدویت و ایجاد آگاهی و شناخت اولیه به حضرت مهدی (عج) ایفا نماید. در واقع، آنچه به‌ویژه در مورد فراگیران ابتدایی دارای اهمیت است پرهیز از کاربرد زبان استدلالی و مفاهیم انتزاعی و به جای آن استفاده از امور و پدیده‌های عینی، محسوس و ملموس برای آموزش‌های دینی از جمله مهدویت می‌باشد. اهمیت و ضرورت این امر از آنجا ناشی می‌شود که دانش‌آموزان ابتدایی با استفاده از چنین رویکردی از آمادگی‌های اولیه ذهنی، عاطفی، روحی و روانی لازم برخوردار شده و به تدریج آماده ورود و برخورداری از مباحث منطقی و استدلالی مرتبط با مهدویت در مقاطع تحصیلی بالاتر می‌شوند.

1. psychological order

2. content and learning experiences

3. cognitive development

4. Piaget

5. concret operations period

- با عنایت به مطالب فوق، این پژوهش درصدد است به سؤالات زیر پاسخ دهد:
۱. در محتوای کتاب‌های هدیه‌های آسمان و فارسی دوره ابتدایی تا چه اندازه به مؤلفه آگاهی از فلسفه ظهور توجه شده است؟
 ۲. در محتوای کتاب‌های هدیه‌های آسمان و فارسی دوره ابتدایی تا چه اندازه به مؤلفه آگاهی از فلسفه غیبت توجه شده است؟
 ۳. در محتوای کتاب‌های هدیه‌های آسمان و فارسی دوره ابتدایی تا چه اندازه به مؤلفه علم و شناخت امام عصر توجه شده است؟
 ۴. در محتوای کتاب‌های هدیه‌های آسمان و فارسی دوره ابتدایی تا چه اندازه به مؤلفه آگاهی از انتظار ظهور توجه شده است؟
 ۵. در محتوای کتاب‌های هدیه‌های آسمان و فارسی دوره ابتدایی تا چه اندازه به مؤلفه ایمان و باور قلبی به مهدویت توجه شده است؟

روش پژوهش

این تحقیق یک پژوهش توصیفی است و در گروه پژوهش‌های کاربردی قرار دارد. با توجه به ماهیت و اهداف مورد توجه، در این تحقیق از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. تحلیل محتوا به عنوان یکی از رایج‌ترین فنون جمع‌آوری اطلاعات، در مورد آن دسته از مسائل پژوهشی به کار برده می‌شود که می‌توان مستقیماً با توصیف ویژگی‌های مورد نظر، بدان مسائل پاسخ داد (لورنس، ۱۳۷۴). همچنین در این روش، پس از آنکه از متن مورد مطالعه، تفسیری کلی ارائه دادیم، آن را با پرسش‌ها و فرضیه‌ها ارتباط می‌دهیم (منادی، ۱۳۸۵). در این پژوهش، از یکی از فنون تحلیل محتوا یعنی تحلیل مقوله‌ای استفاده شده است. از نظر لورنس (۱۳۷۴) تحلیل مقوله‌ای بر پایه عملیات برش متن در واحدهای مشخص، سپس طبقه‌بندی این واحدها در مقوله‌هایی که برحسب مشابهت گروه‌بندی شده‌اند، قرار دارد.

قلمرو این پژوهش، پنج کتاب فارسی (بخوانیم) سال اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم ابتدایی و چهار کتاب هدیه‌های آسمان سال دوم، سوم، چهارم و پنجم (سال اول ابتدایی فاقد کتاب هدیه‌های آسمان است) مقطع مذکور است که در دو بخش دروس و تصاویر تماماً مورد مطالعه، بررسی و تحلیل قرار گرفتند. از این رو با توجه به ماهیت موضوع از روش تحلیل محتوا و کدگذاری قیاسی و برای اطمینان از اعتبار کدگذاری، از ارزیاب دوم استفاده شد. به این منظور، قریب به بیست درصد از محتوای کتاب‌های درسی مورد بررسی، در

اختیار ارزیاب دوم قرار گرفت و از وی خواسته شد تا فرآیند کدگذاری را براساس مقوله‌های معین شده انجام دهد. میزان توافق میان دو کدگذار برابر با ۰/۹۵ مشاهده شد.

یافته‌ها

نتایج و یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای کتاب‌های درسی و هدیه‌های آسمان مقطع ابتدایی در دو بخش دروس و تصاویر در قالب جداول زیر نشان داده شده است.

جدول ۱: توزیع مؤلفه‌های مهدویت در بخش دروس و تصاویر کتاب فارسی «بخوانیم» دوره ابتدایی

نام کتاب	تعداد تصاویر	تعداد جملات	کل واحد ثبت	مؤلفه‌های مهدویت				
				ایمان و باور قلبی	انتظار ظهور	علم و شناخت امام	آگاهی از فلسفه غیبت	آگاهی از فلسفه ظهور
فارسی بخوانیم اول ابتدایی	۴۳۴	۵۴۷	۹۸۱	-	-	-	-	-
فارسی بخوانیم دوم ابتدایی	۴۶۳	۱۴۶۵	۱۹۲۸	-	-	-	-	-
فارسی بخوانیم سوم ابتدایی	۳۶۳	۱۶۶۳	۲۰۲۶	-	-	-	-	-
فارسی بخوانیم چهارم ابتدایی	۳۲۵	۱۹۷۶	۲۳۰۱	-	-	-	-	-
فارسی بخوانیم پنجم ابتدایی	۳۲۸	۱۶۷۸	۲۰۰۶	-	-	-	-	-

همانطور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، در جملات و تصاویر کتاب فارسی «بخوانیم» دوره ابتدایی هیچ واحدی به مؤلفه‌های مهدویت اختصاص نیافته است.

جدول ۲: توزیع مؤلفه‌های مهدویت در بخش دروس کتاب هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی

نام کتاب	تعداد تصاویر	تعداد جملات	کل واحد ثبت	مؤلفه‌های مهدویت				
				ایمان و باور قلبی	انتظار ظهور	علم و شناخت امام	آگاهی از فلسفه غیبت	آگاهی از فلسفه ظهور
هدیه‌های آسمان دوم ابتدایی	۷۶	۴۷۰	۵۴۶	-	-	-	-	-
هدیه‌های آسمان سوم ابتدایی	۱۲۱	۷۳۸	۶۱۷	-	۲	۲	-	۱
هدیه‌های آسمان چهارم ابتدایی	۹۴	۷۹۹	۸۹۳	-	۳	-	-	۱
هدیه‌های آسمان پنجم ابتدایی	۱۵۸	۱۲۰۴	۱۳۶۲	۱۰	۳	۱۰	-	۱۰
هدیه‌های آسمان دوم ابتدایی	۷۶	۴۷۰	۵۴۶	-	-	-	-	-

همان‌طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، در بخش جملات کتاب هدیه‌های آسمان سال دوم ابتدایی از مجموع ۵۴۶ واحد ثبت شده، هیچ واحدی به مؤلفه‌های مهدویت اختصاص نیافته است. همچنین از مجموع ۶۱۷ واحد ثبت شده در بخش جملات کتاب هدیه‌های آسمان سال سوم ابتدایی، فقط ۵ واحد به مؤلفه‌های مهدویت تعلق یافته است. به علاوه از مجموع ۸۹۳ واحد ثبت شده در بخش جملات کتاب هدیه‌های آسمان سال چهارم ابتدایی، صرفاً ۴ واحد به مؤلفه‌های مهدویت اختصاص یافته و در عین حال از مجموع ۱۳۶۲ واحد ثبت شده در کتاب هدیه‌های آسمان سال پنجم ابتدایی، ۳۳ واحد به مؤلفه‌های مهدویت اختصاص مرتبط می‌باشد.

جدول ۳: توزیع مؤلفه‌های مهدویت در بخش تصاویر کتاب هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی

نام کتاب	تعداد تصاویر	تعداد جملات	کل واحد ثبت	مؤلفه‌های مهدویت				
				ایمان و باور قلبی	انتظار ظهور	علم و شناخت امام	آگاهی از فلسفه غیبت	آگاهی از فلسفه ظهور
هدیه‌های آسمان دوم ابتدایی	۷۶	۴۷۰	۵۴۶	-	-	-	-	-
هدیه‌های آسمان سوم ابتدایی	۱۲۱	۷۳۸	۶۱۷	-	۱	-	-	۱
هدیه‌های آسمان چهارم ابتدایی	۹۴	۷۹۹	۸۹۳	-	-	-	-	-
هدیه‌های آسمان پنجم ابتدایی	۱۵۸	۱۲۰۴	۱۳۶۲	-	-	-	-	-
هدیه‌های آسمان دوم ابتدایی	۷۶	۴۷۰	۵۴۶	-	-	-	-	-

همان‌طور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، در بخش تصاویر کتاب هدیه‌های آسمان سال دوم، چهارم و پنجم ابتدایی، هیچ واحدی به مهدویت مرتبط نمی‌باشد. فقط در کتاب هدیه‌های آسمان سال سوم ابتدایی از مجموع ۶۱۷ واحد ثبت شده ۱ واحد به مهدویت اختصاص یافته است.

جدول ۴: فراوانی و درصد مؤلفه‌های مهدویت در درس کتاب هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی

کتاب	هدیه‌های آسمان سال دوم ابتدایی	هدیه‌های آسمان سال سوم ابتدایی	هدیه‌های آسمان سال چهارم ابتدایی	هدیه‌های آسمان سال پنجم ابتدایی
ایمان و باور قلبی	فراوانی	۰	۰	۱۰
	درصد	۰	۰	٪۰/۸۳
انتظار ظهور	فراوانی	۰	۲	۳
	درصد	۰	٪۰/۲۷	٪۰/۳۷

هدیه‌های آسمان سال پنجم ابتدایی	هدیه‌های آسمان سال چهارم ابتدایی	هدیه‌های آسمان سال سوم ابتدایی	هدیه‌های آسمان سال دوم ابتدایی	کتاب نماد
۱۰	۰	۲	۰	فراوانی
%۰/۸۳	۰	%۰/۲۷	۰	درصد
۰	۰	۰	۰	فراوانی
۰	۰	۰	۰	درصد
۱۰	۱	۱	۰	فراوانی
%۰/۸۳	%۰/۱۲	%۰/۱۳	۰	درصد
۳۳	۴	۵	۰	فراوانی
%۲/۷۳	%۰/۴۹	%۰/۶۷		درصد

داده‌های جدول شماره ۴ بیانگر این است که در بخش دروس کتاب هدیه‌های آسمان سال دوم ابتدایی هیچ مطلب و مفهوم مرتبط با نمادهای مهدویت وجود ندارد؛ ولی در کتاب‌های هدیه‌های آسمان سال سوم، چهارم و پنجم ابتدایی در حدی کم و اندک (به ترتیب ۶۷٪، ۴۹٪ و ۷۳٪) به مهدویت توجه گردیده است.

جدول ۵: فراوانی و درصد مؤلفه‌های مهدویت در تصاویر کتاب هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی

هدیه‌های آسمان سال پنجم ابتدایی	هدیه‌های آسمان سال چهارم ابتدایی	هدیه‌های آسمان سال سوم ابتدایی	هدیه‌های آسمان سال دوم ابتدایی	کتاب نماد
۰	۰	۰	۰	فراوانی
۰	۰	۰	۰	درصد
۰	۰	۱	۰	فراوانی
۰	۰	%۰/۸۲	۰	درصد
۰	۰	۰	۰	فراوانی
۰	۰	۰	۰	درصد
۰	۰	۰	۰	فراوانی
۰	۰	۰	۰	درصد
۰	۰	۰	۰	فراوانی
۰	۰	۰	۰	درصد
۰	۰	۱	۰	فراوانی
۰	۰	%۰/۸۲	۰	درصد

داده‌های جدول شماره ۵ نیز مؤید آن است که در بخش تصاویر کتاب هدیه‌های آسمان، هیچ یک از کتاب‌های سال دوم، چهارم و پنجم ابتدایی تصویری مرتبط با مؤلفه‌های

مهدویت نداشته و فقط در تصاویر کتاب سال سوم ابتدایی یک تصویر (۰/۸۲٪) مربوط به مهدویت وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش میزان توجه کتاب‌های درسی «هدیه‌های آسمان» و «فارسی (بخوانیم)» مقطع ابتدایی نظام آموزش و پرورش ایران در دو بخش درس و تصاویر به اندیشه مهدویت، به عنوان یکی از حوزه‌های تربیت دینی و معنوی دانش‌آموزان مورد بررسی قرار گرفته است. اساساً این نکته قابل انکار نیست که در جوامع دیندار، معرفت دینی بخش قابل توجهی از معارف زنده حیات اجتماعی را تشکیل می‌دهد. بر این اساس می‌توان گفت که دین، نگاه برنامه‌ریز به جهان و انسان و اجتماع را دگرگون می‌کند؛ به عبارت دیگر، دین همچون فضایی برای برنامه‌ریز درسی عمل می‌کند که هدایتگر، انرژی‌بخش و محدودساز می‌باشد... و بدین ترتیب محصولی تولید می‌شود که در فضای غیر دینی به دست نخواهد آمد (موسی‌پور، ۱۳۸۲، ص ۵۸). بنابراین، با توجه به حاکمیت رویکرد دینی بر نظام آموزشی کشور ما و اینکه ایجاد و رشد خصایل و سجایای دینی، معنوی و اخلاقی در دانش‌آموزان همواره یکی از مهم‌ترین اولویت‌ها و جهت‌گیری‌های نظام آموزشی کشور ما در مقاطع تحصیلی می‌باشد؛ بنابراین تعیین اینکه عملاً در قالب برنامه‌های آموزشی و درسی موجود مدارس تا چه حد به تربیت دینی و معنوی یادگیرندگان در ابعاد و اشکال مختلف آن توجه شده است، از ضرورت زیادی برخوردار می‌باشد. از این منظر، اندیشه مهدویت به عنوان یکی از شاخه‌ها و حوزه‌های تربیت دینی باید به گونه‌ای هدفمند و منسجم در راستای تحقق اهداف مطلوب آن مورد توجه جدی قرار بگیرد.

نتایج و یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که در ارتباط با پنج سؤال اصلی این تحقیق، کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی در دو بخش درس و تصاویر، توجهی به شاخص‌ها و مؤلفه‌های مهدویت نشده است؛ به عبارت دیگر، مهدویت به عنوان یکی از باورها و اعتقادات عمیق دینی و اسلامی در کتاب‌های فارسی ابتدایی اصلاً مورد توجه قرار نگرفته است. اما در مورد کتاب‌های هدیه‌های آسمانی مقطع ابتدایی با پنج سؤال اصلی این پژوهش، یافته‌های به دست آمده نشان داد که در بخش درس، کتاب سال دوم هیچ توجهی به مهدویت نکرده است. ولی کتاب‌های سال سوم، چهارم و پنجم تا حدی کم و ناازل (به ترتیب ۰/۶۷ درصد، ۰/۴۹ درصد و ۲/۷۳ درصد) به مؤلفه‌های مهدویت توجه کرده‌اند که

این امر بیانگر جایگاه اندک مهدویت در کتاب‌های یادشده می‌باشد. اما در بخش تصاویر نیز کتاب‌های هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی از نظر پوشش و پرداختن به مهدویت دچار وضعیتی نامناسب و کمبودهای اساسی است. صرفاً در کتاب هدیه‌های آسمانی سوم ابتدایی یک مورد تصویر مرتبط با مهدویت وجود دارد؛ در حالی که در مقطع ابتدایی، دانش‌آموزان به خاطر ویژگی‌ها و اقتضائات رشد ذهنی و شناختی، دوره عملیات عینی را طی می‌کنند که به معنی برخورداری از قدرت فهم و انجام دادن عملیات روی مواد عینی است و... دانش‌آموزان ترجیح می‌دهند که با مواد عینی سروکار داشته باشند (میلر، ۱۳۸۶، ص ۱۳۲) ولی متأسفانه در کتاب‌های هدیه‌های آسمان همانند کتاب‌های فارسی توجه چندانی به مهدویت صورت نگرفته است.

به هر حال، با توجه به نتایج و یافته‌های این تحقیق و در راستای توجه جدی و علمی به مهدویت در کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی به‌ویژه کتاب‌های فارسی و هدیه‌های آسمان پیشنهاد می‌شود که در نحوه تدوین و تألیف دروس کتاب‌های فارسی و هدیه‌های آسمان اصلاحات و تغییرات بنیادی صورت پذیرد، به گونه‌ای که نمادها و شاخص‌های مهدویت یعنی آگاهی از فلسفه ظهور، آگاهی و شناخت فلسفه غیبت، علم و شناخت امام، انتظار ظهور و ایمان و باور قلبی در کتاب‌های مذکور، مورد توجه بیشتر و جدی‌تر قرار بگیرند. درواقع، اگر بپذیریم که مهدویت به عنوان یک اندیشه محوری و اساسی آثار و نتایج تربیتی، اجتماعی و فرهنگی متعددی را از نظر تعالی و رشد فردی و اجتماعی دارد، ضروری است که بسترهای آموزشی لازم برای بسط و گسترش این آموزه مهم فراهم گردد. از این منظر، نظام آموزش و پرورش با توجه به ماهیت وظایف و کارکردهای خود نقش مهمی در این زمینه به عهده دارد. تدوین و تألیف کتاب‌های درسی به عنوان رسانه اصلی آموزش یکی از مهم‌ترین راهکارهای انتقال و آموزش مفاهیم دینی و مذهبی مورد نظر از جمله مهدویت است. علاوه بر آن، سازمان‌دهی و ترتیب دادن تجارب و فعالیت‌های میدانی مختلف (در قالب‌هایی همچون تئاتر، نقاشی، بازی‌های گروهی، موسیقی، گروه‌های سرود، فعالیت‌های صبحگاهی، مشارکت در مراسم و مناسبت‌های خاص مثل نیمه‌شعبان) نیز می‌تواند در این زمینه مورد توجه قرار بگیرد. و درنهایت فعالیت‌های مدارس و مراکز آموزشی کشور در حوزه تربیت دینی و مهدوی با کارایی و اثربخشی بیشتری همراه باشد. علاوه بر این، پیشنهاد می‌گردد که در گرافیک و نحوه تصویرسازی کتاب‌های فارسی و هدیه‌های آسمان نیز تغییرات و اصلاحات لازم انجام گیرد تا از این طریق مفاهیم و مضامین مرتبط با مهدویت در قالب تصاویر و

عکس‌های جذاب و رنگی در کتاب‌های مذکور گنجانده شوند. در عین حال، استفاده از قصه‌ها و داستان‌های جالب و مرتبط با مهدویت و قرار دادن آنها در قالب محتوای کتاب‌های فارسی و هدیه‌های آسمان نیز از موارد دیگری است که باید در زمینه تألیف و تدوین این کتاب‌ها مورد توجه قرار گیرند. به علاوه، پیشنهاد می‌گردد که در دوره ابتدایی از ظرفیت‌های سایر کتاب‌های این دوره نیز برای آموزش و انتقال مفاهیم مربوط به مهدویت استفاده شود.

منابع

- امینی، ابراهیم (۱۳۸۰)، دادگستر جهان، قم: شفق.
- باقری، خسرو (۱۳۸۰)، «آسیب‌شناسی تربیتی مهدویت» نشریه انتظار، پاییز و زمستان ۱۳۸۰، در کتاب برترین‌های مهدویت در مطبوعات، ستاد احیاء و گسترش فرهنگ مهدویت.
- بهشتی، محمد (۱۳۵۱). ادیان و مهدویت، تهران: مرآتی.
- بیاری، علی‌اکبر (۱۳۸۷)، «بررسی آسیب‌های مهدویت»، فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود، س ۲، ش ۷، ص ۱۴۱-۱۶۲.
- بیلر، رابرت (۱۳۶۹)، کاربرد روان‌شناسی در آموزش، ج ۱، ترجمه پروین کدیور، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- پوربهرامی، اصغر (۱۳۸۵)، «مهدویت و ضرورت وجود امام از دیدگاه صدرالمآلهین»، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، پیاپی ۱۹، ص ۹۱-۱۱۴.
- پهلوان، منصور (۱۳۸۵)، «بایسته‌های پژوهشی در مسئله مهدویت»، فصلنامه سفینه، ش ۱۲، ص ۱۱۹-۱۴۲.
- تایلر، رالف (۱۳۸۴)، اصول اساسی آموزش و برنامه درسی، ترجمه علی تقی‌پور ظهیر، تهران: آگاه.
- حسین‌زاده، اکرم؛ محمد احسان تقی‌زاده و رضا همایی (۱۳۸۸)، «بررسی باور به مهدویت در میان جوانان پانزده تا نوزده‌ساله تهرانی، فصلنامه علمی و پژوهشی مشرق موعود، س ۳، ش ۱۲، ص ۱۲۹-۱۵۰.
- خالق‌خواه، علی و جهانگیر مسعودی (۱۳۸۹)، «رویکرد تربیت دینی با توجه به دو مؤلفه عقل محوری»، فصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات تربیتی روان‌شناسی، س ۱۱، ش ۲، ص ۱۲۱-۱۴۴.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۲)، گستره شریعت، ج ۱، قم: دفتر نشر معارف.
- خنیفر، حسین؛ جواد زروندی و نفیسه زروندی (۱۳۸۹)، «جهانی شدن و فرهنگ مهدویت از دیدگاه آیات قرآن کریم و روایات اسلامی»، فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود، س ۴، ش ۱۶، ص ۹۱-۱۱۵.
- زارغان، محمدجواد (۱۳۷۹)، «تربیت دینی و تربیت لیبرال»، فصلنامه معرفت، ش ۳۳، ص ۸-۱۵.

- سجادی، سیدمهدی (۱۳۸۴)، «تبیین و ارزیابی رویکرد عقلانی به تربیت دینی (قابلیت‌ها و کاستی‌ها)، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، س ۴، ش ۱۱، ص ۲۶-۴۶.
- شمشیری، بابک (۱۳۸۷)، «جهانی شدن و تربیت دینی از منظر مدرنیسم، پست مدرنیسم و عرفان اسلامی»، دوماهنامه علمی و پژوهشی دانشور رفتار، س ۱۵، ش ۳۰، ص ۵۳-۷۰.
- صمدی، معصومه (۱۳۸۵)، «مهدویت رسالت نظام تعلیم و تربیت در شکل دهی جامعه مهدوی»، فصلنامه مصباح، ش ۶۶، ص ۴۷-۷۴.
- صمیمی، سیمین (۱۳۹۰)، «مهدویت و تربیت (عرصه‌های تأثیرگذاری اعتماد به مهدویت در اصلاح فرد از دیدگاه قرآن و حدیث)»، فصلنامه آموزش معارف اسلامی، دوره ۲۲، ش ۲، ص ۴۴-۵۱.
- عیسی‌نیا، رضا (۱۳۸۷)، «درآمدی بر دکترین‌های مرتبط با فلسفه مهدویت در جمهوری اسلامی»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، س ۴، ش ۱۵، ص ۷۵-۱۰۳.
- فرهمند، مهناز (۱۳۸۵)، «مهدویت و سنت‌های الهی در قرآن»، فصلنامه سفینه، س ۳، ش ۱۰، ص ۱۲۷-۱۵۸.
- فلاح رفیع، علی (۱۳۸۶)، «مهدویت، فرجام‌اندیشی تاریخ هگل»، فصلنامه شیعه‌شناسی، س ۵، ش ۲۰، ص ۲۰۳-۲۲۷.
- کدیور، پروین (۱۳۸۷)، روان‌شناسی تربیتی، تهران: سمت.
- کرین، هانری (۱۳۷۷)، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه جواد طباطبایی، تهران: کویر.
- کرین، هانری (۱۳۸۲)، شیعه، مذاکرات و مکاتبات با علامه طباطبایی، ج ۴، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه.
- لورنس، باردن (۱۳۷۴)، تحلیل محتوا، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمینی دوزی سرخابی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، ج ۱۶، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- مرزوقی، رحمت‌الله (۱۳۸۸)، «سیمای مهدویت در برنامه‌های آموزشی مدارس: رویکردی به فلسفه تربیتی انتظار، دوفصلنامه علمی - تخصصی تربیت اسلامی، س ۳، ش ۷، ص ۱۲۷-۱۳۷.
- مسعودی، حسین (۱۳۷۴)، «مهدویت و مدینه فاضله»، نشریه حوزه، تیر ۱۳۷۴، در کتاب برترین‌های مهدویت در مطبوعات، ستاد احیاء و گسترش فرهنگ مهدویت.
- معیری، محمدطاهر (۱۳۶۴)، مسائل آموزش و پرورش، تهران: امیرکبیر.

منادی، مرتضی (۱۳۸۵)، روش تحلیل محتوای گفتاری و نوشتاری، فصلنامه حوزه و دانشگاه، س ۱۲، ش ۴۸، ص ۲۸-۲۰.

موسی‌پور، نعمت‌الله (۱۳۸۲)، مبانی برنامه‌ریزی آموزش متوسطه، مشهد: آستان قدس رضوی.

میلر، جی. پی (۱۳۸۶)، نظریه‌های برنامه درسی، ترجمه دکتر محمد مهرمحمدی، تهران: سمت.

نوروزی، رضا علی و راضیه بدیعیان (۱۳۸۸)، «الگوی روابط انسانی در تربیت دینی با تأکید بر سیره امام حسین (ع)»، فصلنامه اندیشه نوین دینی دانشگاه شیراز. پیاپی ۳، ص ۹۱-۱۰۸.